

حرف درشت

لامپ اضافی خاموش



پوریا عالمی

ما همیشه در طول تاریخ یک سری نظرات می‌خواندیم یا یک سری سخنرانی‌ها می‌دیدیم که آدم می‌ماند این حرف‌ها را از کجا درآورده‌اند. تا اینکه متوجه شدیم به‌عنوان صادرات غیرنفتی این چیزها را هم صادر کردیم. به کجا؟ به آمریکا. چطوری؟ به این خبر دقت بفرمایید:

«رئیس سازمان ملی انرژی آمریکا گفته افزایش استفاده از سوخت‌های فسیلی در آفریقا در پیشگیری از موارد آزار جنسی هم مؤثر است.» (بی‌بی‌سی)
دقیقا مثل اینکه به یکس گفتند در را ببند بیرون سرد است، طرف گفت: یعنی من در را ببندم بیرون گرم می‌شود؟!
همین آقای پری که در واشنگتن، پایتخت آمریکا، سخن می‌گفت، گفت: «هنگامی که در اتاق یا مکانی چراغ برق روشن می‌شود و «فضا را روشن» می‌کند، «این نور» می‌تواند به «بیداری اخلاقی» کمک کند و از این جهت به پیشگیری از روی‌دادن آزاروادیت‌های جنسی و تجاوز کمک کند.»

متوجه شدید؟

یعنی وقتی برق می‌رود، اخلاق آدم می‌خوابد، وقتی برق می‌آید، اخلاق آدم بیدار می‌شود و به همه سلام می‌کند.

درواقع این‌طور که این آمریکایی گفته، چراغ‌قوه می‌تواند عامل جلوگیری از خشونت‌های اجتماعی باشد؛ یعنی تا یکی خواست کاری کند، شما چراغ‌قوه را می‌اندازید و نورش اخلاق متجاوز را بیدار کند. به نظر ما کلا یا آمریکایی‌ها تازه گل کرده‌اند و می‌توانند بسا بعضی از این دلاوران ما که توری از خودشان صادر می‌کنند رقابت کنند یا از وقتی ترامپ آمده، اینها هم ترشان ریخته و ریز می‌آیند.

بعد هم الان که ما فکر می‌کنیم می‌بینیم این آقای پری حرفش غلط است. چرا؟ چون زمان بچگی ما که زمان جنگ بود، خیلی برق می‌رفت و همیشه شهرها و خانه‌ها تاریک بودند، اما کسی هم کاری نمی‌کرد، اما الان که برق همه‌جا هست و همه‌جا روشن است، خبرهای بد خیلی خیلی بیشتر شنیده می‌شود. حتی آن‌موقع تلویزیون‌هی تبلیغ می‌کرد «لامپ اضافی خاموش»، حالا شما فکرش را بکن اگر این رئیس سازمان ملی انرژی آمریکا ایران بود، چه اتفاقی می‌افتاد؟

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۶ • ۱۷ صفر ۱۴۳۹ • ۶ نوامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۵ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۳ • اذان صبح فردا ۵:۰۶ • طلوع آفتاب ۶:۲۲

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی



آینه‌های روبه‌رو

تعجب در برابر دخترانی که با آرامش به سراغ مرگ رفتند

پلیس. بالطبع خانواده نباید درباره انتشار این فیلم انگیزه‌ای داشته باشد. نیروی انتظامی هم طبق قانون حق ندارد این‌کار را انجام دهد. همین انتشار فیلم هم برای من مسئله است. فارغ از این نکته به نظرم شهرت و تنوع‌خواهی می‌تواند از عواملی باشد که آنها این‌فیلم‌ها را ضبط کرده‌اند، اما همه اینها تحلیل‌هایی فرضی هستند. از طرفی اصلا نمی‌توان آن قتلی را که در کردستان رخ داده است، با این فیلم خودکشی دختران مقایسه کرد، اینها کاملا متفاوت هستند. آن‌چور قتل‌ها معمولا مرتبط با مسائل ناموسی است که کاملا با این اتفاق فرق دارد.

منظورم همین ماجرای ضبط‌کردن بود. اول بحث ماجرای بازی نهنک آبی مطرح شد که بعدا هم تکذیب شد. آیا به نظر نمی‌رسد که کلا جامعه‌شناسان، مسئولان، خانواده‌ها و... در برابر اتفاق‌های جدید بی‌اطلاع و مبہوت هستند؟

این دو ضبط فیلم هم متفاوت است، حداقل در اهداف با هم فرق دارند، ولی ما با یک پدیده بسیار مهم مواجه‌شده‌ایم که ۴۰ سال پیش به مخیله هیچ‌کس خطور نمی‌کرد و آن توانایی فرد برای تولید و توزیع متن و عکس و فیلم به‌صورت هم‌زمان برای همه جهان است. این قدرت وسوسه‌انگیز است، البته قرار نیست همه مردم وسوسه شوند، کافی است یک در هزار چنین شوند، در این صورت با موجی از اتفاقات عجیب‌وغریب مواجه خواهیم شد. الان ظرفیت آن هست که همه آقای دوربینی شوند بدون اینکه نیازی به حضور در جلسه آقای قرائتی داشته باشند. بنابراین وضع جدید نوعی جلوزدن فناوری از قدرت انطباق‌پذیری انسان است و شاید ما دچار فرهنگی نسبت به فضای مجازی شده‌ایم. اگر مردم جوامع پیشرفته دچار این تاخر نباشند، ما به دلیل وضعیت رسانه‌های رسمی خودمان دچار آن شده‌ایم.

در ابتدا باید بگویم پاسختان مثبت است، چون وقتی با چنین اتفاقی روبه‌رو می‌شویم و نمی‌توانیم آن را بفهمیم، پس نتوانسته‌ایم این نسل را بشناسیم، اما چیز دیگری در این میان وجود دارد که ما را به تردید می‌اندازد تا به‌سرعت قضاوت نکنیم. نکته این است که آیا این رفتار خاص تبدیل به یک روند شده است؟ یا یک پدیده خاصی است که در یک جا و در یک مورد اتفاق افتاده که حالا باید علل آن مورد خاص را شناسایی کرد؟ در حوزه اجتماعی نمی‌توانیم یک پدیده را مصادق یک وضعیت و روند در نظر بگیریم، بلکه تکرارش باید ما را نسبت به آن حساس و نگران کند. نکته دیگر این است



که یکی از این دو نفر زنده مانده است. امیدوارم حالش بهبود یابد و با او صحبت کاملی انجام شود و این اتفاق تجزیه و تحلیل شود تا بتوان ریشه این اتفاق و عملکرد عجیب را شناسایی کرد.

به نظرتان چه نکته‌ای سبب می‌شود این نیاز را حس می‌کنند که عملکرد غیراخلاقی خود را از منظر جامعه ضبط کنند؛ چه این اتفاق قتل باشد -قتلی که چهار دوست در یکی از شهرستان‌ها انجام دادند و از لحظات جان‌سپردن مقتول فیلم‌برداری کردند- چه خودکشی این دو دختر در اصفهان؟

واقعا نمی‌شود تحلیل کرد چرا این‌سین فیلم را ضبط کرده‌اند؟ حتی نمی‌دانم این فیلم چگونه منتشر شده است؟ این فیلم یا باید در اختیار خانواده باشد یا نیروی

گیسو ففغوری؛ به‌تازگی فیلمی از دو دختری که چندی پیش در اصفهان خودکشی کرده‌اند، منتشر شده است. آنان در سرخوشی و مانند یک روز عادی از خودکشی سخن می‌گویند. درباره این فیلم که سؤالات متعددی را در ذهن بسه وجود می‌آورد، به «عباس عیدی»، جامعه‌شناس و تحلیلگر، صحبت کوتاهی کرده‌ایم.

وقتی این فیلم را می‌دیدید، چه واکنشی در برابرش داشتید؟

واکنش اولیه‌ما تعجب شدید بود. باورم نمی‌شد دو دختر نوجوان بخواهند برای خودکشی بروند و طوری به مرگ نگاه کنند که انگار برای رفتن به تفریح و شادی می‌روند. کاملا راحت و آرام با آن برخورد می‌کردند. هنوز هم نمی‌دانم این واقعا فیلمی است که آنان قبل از رفتن به خودکشی از خودشان برجا گذاشته‌اند یا خیر؛ شاید مربوط به روز دیگری بوده و نه روز خودکشی، چراکه اگر این‌طور باشد، واقعا موضوع شگفت‌انگیزی است.

به نظر‌تان این فیلم با شکل‌های مرسوم خودکشی فرق دارد؟

همان‌طور که می‌دانید، خودکشی دلایل و انواع متنوع و مختلفی برحسب علت دارد. امیل دورکیم اولین کسی است که در این زمینه تحقیقات زیادی انجام داده و دسته‌بندی‌های مختلفی درباره خودکشی داشته است، اما واقعا نمی‌دانم این نوع خودکشی در کدام‌یک از این دسته‌ها جا می‌گیرد، چراکه ذره‌ای استرس مورد انتظار را در فرد نمی‌بینیم، کاملا با آرامش یا مرگ برخورد می‌کنند. قطعا نمی‌توان این نوع خودکشی را با شکل‌های مرسوم مقایسه کرد که فرد نمی‌تواند با فشارهای اطرافش خودش را هماهنگ کند و دست به خودکشی می‌زند. خودکشی سرخوشانه‌ای بود اگر فیلم واقعتا در بازتاب دهد.

آیا واقعا با نسلی روبه‌رو هستیم که اطلاعی از ویژگی‌ها و خصوصیاتشان نداریم؟

هاشور

من هم همین‌طور

مهزاد الیاسی

اول قرار بود فقط هاروی واینستین، تهیه‌کننده سرشناس هالیوود، باشد، اما کم‌کم ماجرا جدی‌تر شد و پای یکی از وزرای کابینه‌ترزا می، بعد نمایندگان پارلمان انگلیس، صلیب سرخ و اتهام تجاوز سربازان حافظ صلح، بعدتر هم کوین اسپیسی و داستین هافمن و... به موضوع رسوایی جنسی کشیده شد.

هاروی واینستین تا پیش از گزارش افشاگر نیویورک‌تایمز مبنی‌بر آزار جنسی زنان هنرپیشه آمریکا از سوی او، بدجوری بر خر مراد سوار بود، اما پس از افشای رسوایی اخلاقی، یک‌شبه همه‌چیز را از دست داد و برای مدت‌ها سرتیتر مهم‌ترین جرایم جهان شد. بنابر گزارش‌های نیویورکر، نیویورک‌تایمز و فهرستی که گاردین از روایت هنرپیشان زن منتشر کرد، واینستین شکارهایش را از میان دختران جوان جویای نام هالیوود انتخاب می‌کرده؛ احتمالا به این دلیل که دست‌زدزن به سینه آرتیه‌کننده سینمای دنیا، برای یک دختر ۲۰ساله کم‌تجربه سخت‌تر است. وقتی به نام‌های آنجلینا جولی و گوئینت پالترو در فهرست متهم‌کنندگان آقای واینستین برمی‌خوریم، متوجه میزان سوءاستفاده از قدرت از سوی او می‌شویم. این دو هنرپیشه، با وجود دورنبودن از حوزه قدرت و داشتن خویشاوندان درجه‌یک در سینمای آمریکا، از آزار جنسی واینستین محفوظ نبودند.

این موضوع من را به یاد خاطره‌ای می‌اندازد. به اصرار دوست هنرپیشه‌ام، در ۲۱ سالگی برای تست بازیگری در سریالی به دفتر یک کارگردان مطرح رفتم. دو روز بعد، تماسی از شخص کارگردان داشتم که می‌گفت تست‌های بازیگری من را دیده است و به نظرش من پدیده سینمای ایران خواهم بود! از آن روز تماس‌های تلفنی آقای کارگردان شروع شد. بی‌تجربه‌تر و بهت‌زده‌تر از آن بودم که متوجه شوم طرح موضوع استعداد شگرف هنرپیشگی، تنها یک بهانه است. قلقلک شهرت و سینما به اندازه کافی وسوسه‌انگیز بود؛ بااین‌حال آن‌قدر هوشیار بودم که برای حلاجی موقعیت، وانمود کنم تهران نیستم و خودم را از او دور نگه دارم. تماس‌ها زیادت‌ر و حرف‌ها خصوصی‌تر شده بود. دوستانم در خوابگاه که در جریان موضوع بودند، هرازگاهی یکی از تماس‌او در اطرافم جمع می‌شدند. یک‌بار با خندیدن تصادفی یکی از آنها، آقای کارگردان متوجه شد که حرف‌هایش شنیده می‌شود. حالا که به گذشته نگاه می‌کنم می‌بینم آن خنده، خوش‌شانسی محض من بود؛ چون در آن سن‌وسال، آن‌قدر قدرت داشتم که برای دفاع از خود در برابر کارگردان مطرحی که حداقل ۲۰، ۳۰ سال از من بزرگ‌تر بود، دست به عمل مشخصی بزنم یا به او منتقل کنم که از حرف‌هایش آزار می‌بینم. از آن روز، تماس‌ها قطع شد و من از پدیدگی سینما درآمدم.

بعدها با کسب تجربه بیشتر، متوجه شدم که این موضوع مختص سینما نیست و ریشه‌های آن را در تمام مشاغل و حرفه‌های مختلف در مردسالاری مزمن، ولع و زیاده‌خواهی، شیء،‌انکاری جنس مقابل و ... می‌توان یافت. مهم این است که آزار جنسی یا سوءاستفاده از قدرت برای نزدیکی جنسی به‌هیچ‌عنوان امری طبیعی در نظر گرفته نشود. یکی از بهترین راه‌ها برای مقابله با آزار جنسی، علاوه بر همدلی و همراهی با قربانیان، متهم‌نکردن آنها به «رفتاری که باعث آزار جنسی شده»، برخورد بدون اغماض با آزاردهندگان و بازگوکردن تجربه آزار جنسی است. سخن‌گفتن از تجربه آزار جنسی علاوه بر کاستن از فشار روحی قربانیان، میزان آگاهی جامعه و قربانیان احتمالی بعدی را افزایش می‌دهد. در بی رسوایی اخلاقی واینستین، هشتک #metoo (من_هم_همین‌طور) در شبکه‌های اجتماعی، از تمامی قربانیان آزار جنسی دعوت می‌کند تجربه ناخوشایند خود را با دیگران در میان بگذارند و آن را در جایی در اعماق عذاب وجدان ذهن پنهان نکنند.

با بالاگرفتن تب افشای رسوایی جنسی در هالیوود کوین اسپیسی هم متهم شده است و به او حداقل شش‌ونیم میلیون دلار خسارت وارد شده است تفاوتی نمی‌کند که مردسالاری را به معنی قدرت‌طلبی جنسی در رابطه با زنان تعریف کرد یا مردان و کودکان. دست‌اندرکاران سریال House of cards اعلام کرده‌اند فصل بعدی ساخته نمی‌شود و پیش‌تر قرار بود نقش اول سریال را به همسرش واگذار کنند؛ موقعیتی کنایه‌آمیز از کم‌شدن قدرت مردسالاری در کشاکش روزگار؛ جایی که مردسالاری، از زنان و قربانیان قدرتمند و توانمندی که آنها را دست‌کم گرفته، رودست می‌خورد.

پشت تاریخ

نگرانی‌های بزرگ برای ریاضیات ایران



ایمان افشاری

دغدغه‌های مهمی در جامعه ریاضیات ما وجود دارد که باید برای آنها فکری کرد؛ چون جامعه ریاضیات ما بزرگ شده است و پتانسیل‌های قابل‌توجهی دارد و این خطرات ممکن است باعث شود فرصت‌ها در این حوزه کاملا از دست برود. چند مسئله نگران‌کننده وجود دارد. اولین مسئله رشد کمی خیلی شدید در تعداد دوره‌های دکترا و محصولات پژوهشی است و این رشد با حرکت شدیدی به سمت عدم کیفیت همراه بوده است. حتی افرادی در ابتدای حرکت کارهای باکیفیت بیشتری داشته‌اند اما در این جو حرکت به سمت کمیت، کیفیت کارهایشان کاهش پیدا کرده است. در دنیای علوم پایه، کمیت تقریبا هیچ اهمیتی در مقابل کیفیت ندارد. کارهایی که جریان اصلی ریاضیات را رقم می‌زند، معدود کارهای بسیار باکیفیتی هستند که تولید می‌شوند، بقیه کارها در واقع به‌نوعی حامی این کارهای پرکیفیت هستند. مسئولان نیز، چه ریاضی‌دانان کشور و چه سیاست‌گذاران خیلی دغدغه این مسئله را دارند و اینجا و آنجا نسبت به آن ابراز نگرانی می‌کنند. اما مشوق‌هایی هم که در ساختارهای سیاست‌گذاری وجود دارند، در سوق‌دادن به سمت کمی‌گرایی مؤثرند. به‌نظر من اصحاب رسانه هم باید درباره این مسئله جدی صحبت کنند تا حرکت به سمت کیفیت به یک دغدغه و خواست عمومی تبدیل شود. مسئله دیگر این است که افرادی که کارهای کیفی را انجام می‌دهند، معمولا در معرض آسیب‌های جدی در ساختار شغلی کشور قرار دارند؛ یعنی اصلا حمایت نمی‌شوند و ممکن است حتی حداقل‌های شغلی از آنها گرفته شود. چندی پیش پژوهشی درباره وضعیت ۲۰ سال گذشته ریاضیات کشور انجام دادیم. مشخص شد افرادی که در نوک هرم قرار می‌گیرند، به یک معنا برای تولیدکنندگان صا اثر برجسته ریاضیات کشور در ۲۰ سال گذشته که حدود ۲۰ یا ۲۵ نفر بوده‌اند، معمولا اتفاقات ناخوشایندی در داخل کشور افتاده است. شاید نزدیک به نیمی از این افراد سرانجام خوشایندی در ساختارهای ارتقای شغلی این کشور نداشته‌اند و تا جایی که به یاد دارم بیش از یک‌چهارم آنها کشور را ترک کرده‌اند و بسا وجود تولید آثار خوبی در داخل کشور، نهایتا تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند. این برای کشوری که تعداد افرادی که در قله تولید محصولات پژوهشی دارد، زیاد نیستند، خطر بزرگی به‌نظر می‌رسد. باید فکری برای این امر کرد و مشوق‌هایی را برای سوق‌دادن افراد به سمت کیفیت ایجاد کرد. به‌ویژه ما باید توجه داشته باشیم که افراد بسیار بیشتری هستند که می‌توانند محصولات کیفی تولید کنند ولی چون مشوق‌ها و سیاست‌گذاری‌ها را به‌سمت مسائل کمی می‌بینند، به‌طور طبیعی مسیر کمیت را انتخاب می‌کنند. فکر می‌کنم تعداد افرادی که وقت و زندگی‌شان را صرف ریاضیات کرده‌اند، زیاد است و این می‌تواند منجر به تولید محصولات باکیفیت شود. ولی ما خوب از پتانسیل‌هایمان استفاده نمی‌کنیم. آخرین نکته‌ای که می‌توانم به آن اشاره کنم، کاهش اقبال عمومی به این حوزه‌ها و به‌ویژه حوزه ریاضیات است. این آسیب را در همه حوزه‌های علوم پایه و از جمله در ریاضیات دیده‌ام. اقبال به رشته‌های علوم پایه کاهش پیدا کرده است و انگیزه‌ها مادی‌تر شده‌اند و تبلیغات جنبی هم به‌طور فزاینده‌ای جوان‌تر‌ها را به سمت مسائل مادی که لزوما هم باعث احساس رضایت شغلی آنان در آینده نخواهد شد، تشویق می‌کند. فکر می‌کنم هم دغدغه‌های معیشتی دانشمندانی که در حوزه علوم پایه فعالیت می‌کنند باید به اندازه معقول و در حدشان باشد و حداقل یک زندگی محترمانه برای یک دانشمند کشور تا حدودی تأمین شود و از طرف دیگر تبلیغاتی که افراد را به زندگی با جوانب مادی تشویق می‌کند نیز باید کنترل شود. فکر می‌کنم فضای فرهنگی کشورمان آلودگی زیادی از این جهت پیدا کرده است و حتی تا جایی که تجربه‌ام از زندگی در غرب به من اجازه قضاوت می‌دهد، در آنجا ذهن یک فرد دانشگاهی تا این اندازه درگیر مسائل تجملی و معیشتی نیست و چنین فردی به زندگی ساده‌تری قانع است. در داخل کشور ما متأسفانه جو به سمت دورشدن از این فضا بوده است و نمی‌توان از فرد انتظار داشت در مسیری متفاوت با جریان اجتماعی جاری و حاکم در جامعه حرکت کند.

تصحیح و پوزش

در شماره روز گذشته و در مطلب «راه دشوار گاندی»، عکس دکتر عبدالرضا ناصر‌مقدسی، متخصص مغز و اعصاب، به اشتباه منتشر شده است.

به‌این‌وسیله از ایشان و مخاطبان محترم پوزش می‌طلبیم.

سامسونگ

Galaxy Note8



فرا تر برو



سرویس اکسپرس بدون هزینه حمل ویزه‌ی شهرهای تهران مشهد، اصفهان و تبریز



بشپییانی ویژه‌ی صفحه نمایش در صورت شکستن تنها با پرداخت ۱۷۰.۰۰۰ ریال (یکبار تا پایان دوره)

- فقط برای گوشی‌های خریداری و روشن شده تا پایان آذر ماه ۱۳۹۶ به شرط ارسال کد IMEI از طریق پیامک به شماره ۴۲۱۳۲۷۲۰۰۴
- کد ۱۵ رقمی IMEI بر روی جعبه‌ی محصول موجود است.
- سرویس پشتیبانی ویژه تا پایان تابستان ۱۳۹۷ برقرار است.
- برای اطلاع از جزئیات این طرح با مرکز خدمات موبایل سامسونگ با شماره ی ۴۲۱۳۲۷۲۰۰۴ تماس حاصل فرمایید.

مرکز تماس ۰۲۱۳۲۷۲۰۰۴